

بنده نسبت خطای بکسی نمی دهم ولی از سابق هم همین طور ممکن بوده غالباً بین حکمای بزرگ هم اختلاف نظر بوده است مثلاً شاگردان معلم اول هم کاز حکمای بزرگ دنبه بوده اند بیشتر اختلاف نظر داشته اند بعضی می گفته اند اگر یک اناع آبراه در دو اناع بر زندگانی می شود دیگری گفته است آب همان آب است و صفات اتصال از بین رفته بناء علی هذ امور نظریه چائز الخطا است و باز هم امر عادی قابل مذاکره هست که نظریات اشغال در آن امر اظهار شود بعداز این مقدمه داخل در اظهار هر ایض خودمی شوم در این قانون چند فقره اشکال بنظر می آید که حالا بعرض آقایان محترم میرسامان شاید آقایان بقول فرمایند قانون شوند یا اینکه توضیح بفرمایند و بنده را قانون کنند (یک نفر از نمایندگان بلندتر بفرمایید)

سلطان العلماء حنجره و صوت من همین است و با این حال کمالتی که دارم بیش از این قوه بلند حرف زدن ندارم در این لایحه سه موضوع مطرح شده است که مایه و ملاک صحبت است اول مسئله مرانع است از آقایان نمایندگان محترم عموماً اعضاء کمیسیون خصوصاً آقای مخبر سوال می کنم درخصوص مرانع اربابی چه درنظر دارند؟ چون این مرانع بر سه قطمه متصور است

یک قسم مرانعی است که عایدی دارد یعنی آنها را اجازه می دهند و مردم از اطراف احشام و اغذیه خود را آورده بخواهند و هر چهارمین قسم دیگر هم مرانعی است که بواسطه زراعت آن آنها را اجازه می دهند و یک قسم هم مرانعی است که ما آنرا صوراً می گوییم که در آن املاکی واقع شده است و محل سکنی یک جمعیتی است که در آن زراعت می کنند و هر چهارمین قسم دیگر باشد آن مملک آبادتر است مرتعش بیشتر باشد آن مملک آبادتر است و این قبیل مرانع اختصاص دارد بهمان جمیعتی که در آن سکنی دارند که افغان احشام خود را در آن می چرانند و دیگر اجازه نمی دهند و عمومیت ندارد این قبیل مرانع است که حلال محل اختلاف است بلی اگر مرانع عمومی باشد و مالک آن اجازه بدهد یعنی همسایگان از اطراف بیانند در آنجا احشام و اغذیه خود را بچرانند باشد بدولت چیزی بدهند ولی در صورتی که اینطور نباشد و اختصاص بهمان ساکنین آنها داشته باشد در این صورت چون برای مالک فائنه خارجی ندارد یعنی اجازه نمی دهد بمقیده بنده نباید چیزی بدولت بدهند بلی اگر همسایگان احشام و اغذیه خود را باشند

**رئیس** — بطور اختصار شرح داده می شود آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)  
**حاج میرزا عبدالوهاب** — در جلسه گذشته بنده عرض کرده بودم که رعایا بابت موافقی یک حقیقی بار باب می دهد که ارباب هم مطابق قانون عشر هایدات نقدي و جنسی را باید بدولت بددهد و فراموش شده است در صورت مجلس این مطلب یاد داشت شود که دولت نباید از رهایا دو مرتبه مالیات بگیرد  
**رئیس** — دیگر اصلاحی نیست؟

**رئیس** — صورت مجلس تصویب شد البته صورت جلسه روز سه شنبه را هم که وقت نشد تصویب برسانیم آقایان تصویب می فرمایند (جمعی از نمایندگان صحیح است)  
**رئیس** — لایحه قانونی ضمیزی عمومی مطرح است، ماده اول

**آقای مدرس**

(اجازه)

**مدرس** — عرایض خود را عرض کرده ام و بیشنهادهای هم در این باب تقدیم داشتم.

**رئیس** — آقای رفعت الدوله

(اجازه)

**رفعت الدوله** — بنده موافق است رئیس — آقای آفاسید یعقوب

(اجازه)

**آقا سید یعقوب** — بنده هم بیشنهادی راجح بهمین موضوع تقدیم کرده ام.

**رئیس** — کدام بیشنهاد؟

**آفاسید یعقوب** — بیشنهادی را که آقای مدرس داده اند چون نظریات بنده هم موافق با آن است آنرا اضافه کرده ام و تقدیم شده است.

**رئیس** — آقای قمی

(یک نفر از نمایندگان تشریف ندارند) **رئیس** — آقای سلطان العلماء

(اجازه)

**سلطان العلماء** — قبل از شروع بمقصود عرض می کنم چون بنده در جلسات سابق مربیش بوده ام و تشرف حاصل نکرده ام حالاً از قمام محترم ریاست شوال کردم که در شور در ماده اول هم ممکن است راجح بکلیات صفت کرد؟ آقای دبیس فرمودند ممکن است. این است که عرض می کنم در زمانی که در خدمت آقایان در کمیسیون قوانین مایه بودم آقایان اعضاء کمیسیون کمان اهتمام را در این موضوع یعنی تدبیل ممیزی داشته و قریب شصت جلسه برای این مطلب تکمیل شد ولی بنده بواسطه کسالت مراج استعفا دادم. ولی باید بعرض بر سانم که انسان جائز الخطا است.

حضرت والا هم این بوده است که آنها با پیشنهاد خالصه اند عشر بیرون از نهاده مقصود تان این بود که در صورتی که اربابی است عشر بدهند و تفاوت مابین آنها گذارد هشتم. امام شرط برایشکه تمام اهالی مملکت خوب بشخت باشند و بطور متساوی باشند و بتناسب بدهند نه کم و زیاد و وقتی که میزی می کنند فرق مابین صاحب نفوذ که دستش به مقامات عالیه میرسد و آن بدینه تشریف اینکه از طرف رعایا یا شریف اسباب مزاحمت بنده فراهم است یکدسته در منزل بنده هستند و خارج هم نمی شوند می گیرد فشار وارد نماید

ولی آن دسته هیچ بمنزل بنده نمی آیند و نمی ماندد در صورتی که بنده در اجرای عملیات بین این طبقه و آن طبقه غرقی نمی گذارم و نظریات حضرت والا هم عین نظریات خود بمنه است امیدوارم در اجراع هم موقبت حاصل شود رئیس — جلسه ختم می شود (جلسه پیکسلات بعد از ظهر ختم شد) مؤمن الملک

### جلسه ۱۳۹

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه سوم هزار و سیصد و چهل و یک مطابق چهارم سپتمبر هزار و سیصد و یک

(مجلس نقریباً ۳ ساعت قبل از

ظهر برایست آقای مؤمن الملک

تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم پنجشنبه اول

سبله را آقای امیرناصر قرائت نمودند)

**رئیس** — آقای آفاسید یعقوب

(اجازه)

**آقا سید یعقوب** — در جلسه قبل آقای وزیر مایه در جواب بنده اظهار کردند که بحساب اجازه دوره فترت هم رسیدگی می شود و در صورت مجلس از آن ذکری نشده است.

**رئیس** — رسیدگی اضافه می شود.

**آقای محمد هاشم میرزا**

**محمد هاشم میرزا** — در صورت جلسه قبل آقای وقار الملک را غائب بی اجازه نوشته اند و چون ایشان قبول حکومت کرده اند کمان می کنم ذکر اسم ایشان بیمورد باشد بعلاوه آن روز بنده عرض کردم بعضی اعتبار نامه ایم در شب باقی مانده و در صورت مجلس ذکر نشده است.

**رئیس** — بنای بود توضیح بدهید تا جواب داده شود.

**آقای نظام الدوله**

(اجازه)

**نظام الدوله** — راجع باختلاف نظر و مخالفت بنده با آن جاده که عرض شصت جلسه برای این مطلب تکمیل شد ولی بنده بواسطه کسالت مراج استعفا دادم. ولی باید بعرض بر سانم که انسان اخلاقی شریعه اشاره نشده است. لازم بود بطور

تخفیف داده می شود و بدهات خورده مالک تجمیل می شود خیلی خوب است عشر بر هایدات وضع شود و من هم کاملاً موافق هستم. امام شرط برایشکه تمام اهالی مملکت خوب بشخت باشند و بطور متساوی باشند و بتناسب بدهند نه کم و زیاد و وقتی که میزی می کنند فرق مابین صاحب نفوذ که دستش به مقامات عالیه میرسد و آن بدینه تشریف ویاست نگذارند چون به آن صاحب مملکت با نفوذ و آن اربابی که دستش به مجلس میرسد و وزیر مایه را اذیت می کند و از او تخفیف

ولی نتیجه این می شود که آن رعیت بدهیت تجمیل می شود و بالاخره نتیجه این فشار این می شود که آن خورده مالکها و فرانی که املاک جزئی دارند می گویند برای اینکه بعماذیتی نرسد خوب است بروم یک ارباب با فنوزی بیدا کنیم و ملک خود را با و آگذرنامه ایم تا او برود از ما دفاع کنند نتیجه این تجهیلات این خواهد شد در صورتی که بنده همیشه طرفه از این هستم که املاک بزرگ بین خورده مالک تقسیم شود و خورده مالک زیاد شود تا زراعت زیادتر ترقی کند ولی با این ترتیب اشخاص خورده مالک مجبورند املاک خودشان را با اشخاص متول و قوی و حکام ولایات بفروشنند تا از این تجاوزات و تجهیلات راحت شوند چنانچه اگر آقایان تاریخ گذشته را مطالعه بفرمایند خواهند دید که هر کس در هر کجا والی و حاکم شد بعداز چند سال که گذشت چهارصد یاریه مملکت در آنجاییدا می کند ذیرا مردم برای اینکه از شرمندی خالص شوند تسلیم آن متعدی می شوند برای این است که بنده عرض می کنم رعایای بی دست ویا هم باید خوب بشخت بشوند

اگر آقای وزیر مایه هزار و سیصد دارند از آن املاک که اسم برد و صورتش را باشان دادم عشر بگیرند و اگر به آنها تخفیف می دهند با این چیزهار مزده هم که عجالتیاً تعلق بخورده مالک دارد تخفیف بدهند چون و کلا برای حفظ حقوق رعایا هستند هم در این مسئله متفق علیه هستیم که از آن بیچاره هایی که نمی توانند صدای خود را به مقامات عالیه بر سانند باید رفع تعیی و ظلم بشود و باید بیک اصل رادرهمه جا قبول داشت.

وزیر مایه — در فرم است اول همانطور که فرمودند عشر گرفته می شود ولی در فرم استهای دیگری که صورت دادند آنها خیلی بیشتر از عشر باید بپردازند ذیرا آنها خالصه است و تقریباً نصف عایدات آنها بدهات می شود این تخفیفی که ملاحظه می فرمایند بمناسبت آفت بود والا حالا که رفع آفت شده باید نصف هایدی خود را بدولات بپردازند و نباید با آنها معامله عشر

کرد این است که تصور می کنم مقصد

طاخونه است و پس از وضع صدقه هل تصدقی کردند که نیم عشرينج بهت حق الماء و نیم عشرينج بهت حق الأرض یا يك عشرينج هر دو بگيرند حالاً مجدداً صد پنج گرفتن از طاخونه قبل از استخراج مصارف در صورتی که خود آقایان صد چهل چهل مصارف طاخونه را هم تصدقی کردند چيز غریبی است

اما مسئله احشاء و افnam البته هر کس فائده می برد بایستی بهت مصارف دولت هم یک چیزی بدهد؟ چندی قبل در مجلس آقایان کشتن بره و میش و بزوایر حیوانات را در صفر سن اعتراض و جلو گیری فرمودند و مقصود از این اعتراض آقایان این بود که وسیله ارتزاق هومی بطور اکمل فراهم شود بنده عرض می کنم آقایان اعضاء کمیسیون قوانین والی خیلی زحمت کشیده اند و البته دولت بیش از این هادر نظر داشته و آقایان که فرموده اند واین مسئله را انجام داده اند

ولی باز هم تذکاراً عرض می کنم دیانت اسلام می فرمایند حیوانات چهار کاهنه شتر گاو گوسفند و بز اعماق هایمنی آنها که در دوازده ماه در صحرای پیرند آنها زکوه بدهند و سایر حیوانات یعنی آنها که عاف دستی می خورند آنها ذکوه ندهند و حالاً نمی خواهم مطابقه کنم فلسفه قانون را بادیابت اسلامی ولی عرض می کنم نظر باینکه از حیوانات ملعونه که دستی بآنها علف می دهند چندان فائده هاید صاحبیش نمی شود باین جهت مقنین باید در نظر بگیرند همان حیوانات ملعونه اگر حقیقتاً در نقاطی هستند کم ممکن است هایدی بر آنها تصور کرد برای آنها هم مالیات قرار دهند مثلاً گاوهاشی که بیرون در دوازده طهران یازندیک سایر شهر ها هستند که شیر و سایر لوازم او بشمرمی آید و فروخته می شود البته بر آنها می شود چیزی تجمیل نمود اما حیوانی که در دوازده فرسخی واقعند و عایدی ندارند بر آنها نمی شود چیزی تجمیل کرده بترین شاهدمن همان دوغ عرب است که در این جاهم چندان قیمتی ندارد در حالی که کره آنها راهم نمی گیرند ولی این جا زیر با هر خ که می کیرند بنا بر این دور از انصاف است چیزی بر آنها تعییل کرد خوب است آقایان درست دقت بفرمایند و به نظر انصاف بسیگرنده کوشندی در سازه بار آذوقه لازم دارد همه می شود ۴ تومان ۱ تومان هم دانه می خورد تا بجهه های خود را در زمستان از طوبیه بیرون بیاورد و اینه تومن آیا در سال گوسفند هم تومن فایده دارد که بخواهند آزاد ۱ قران مالیات بسیگرنده تصدقی خواهید فرمود که به اندازه مخارجش هم عایدی ندارد و همین طور است که هر عرض می کنم اید و ادم آقایان نظر

از قبیل مالیات کاه و یونجه انگور و امثال این ها را تصریح بفرمایند بنده از شهری افتخار من است اطلاع دارم و عرض می کنم اهالی بدخت آنجا پس از دادها و فریادها که در موضوع مالیات قیان زدنند و دولت گوش نداد مایوس شدند اهالی ملایر و بروجردیک عده از مالکین سیلان خور علیا آقایانی که به بروجرد و تشریف برده اندی داند سیلان خور و قسم است سیلان خور علیا و سیلان خور سفلی) فریادها زدنند و تلکرافات مخابره کردند که دیگر بکلی ما از بین رفته و نمی توانیم دیگر زندگانی کنیم و فایده حاصل نشده این مثلاً را من باب مثال عرض می کنم خداوندان مثال بعنکبوت می زند (حالدار اینجا مورد اعتراض واقع نشوم که آقایان بفرمایند اینجا همچنان مثلاً زدن نیست)

بعلاوه به مثل مطالب واضح تر می شود یکی از ملاکین یعنی اختار کرد که فلانکس دیگر زندگی بر مالکین جزء خیلی سخت شده و نمی توانیم زندگی کنیم گفتیم چرا؟

گفت من چهار بار انگور به بروجرد بردم بیست و چهار قران فروش رفت در صورتی که الاغهای مرأ الواد بغارت برده بودند هشت قران ترا به حیوان دارم و شانزده قران برای من باقی ماند دوازده قران مالیات انگور دارم چهار قران هم از بابت قیانداری من گرفتند حالاً چهار از قران دیگر هم بجهت نواعی باید از کبše بدهم لهذا خوب است مجلس شورای ملی عطف توجهی باین مسائل بفرمایند و مالکین جزء و رهایی بدخت را رعایت فرمایند که بکلی از بین یروند بنده عرض می کنم معین دو چیز را باید در نظر بگیرد یکی برای دادن یکی اجرا کردن برای دادن یکی اجرا کردن برای دادن آسان است و عمل کردن مشکل است ولی یول دادن از هر دو اینها مشکل تر است باید قدری رعایت فقراء و ضعفاء را کرده بنده برای فقراء داد نمی کنم ولی عرض می کنم هر کس الاغ وارد ازاو نواقل بسیگرنده بسیگرنده

هر کس ندارد بسیگرنده بلی مالیات باید از روزی عایدات باشد چنانچه مولا خودم بعرض مجلس رسانده امام آمدیم در موضوع طواوین آقایان فرموده اند از کلیه طواوین و آب و نک ها اعم از اهالی وغیره چه در دهات و چه در شهر ها باشد باید صد پنج گرفته شود بنده عرض می کنم در کمیسیون قوانین مالیه موقعی که بنده تشرف حاصل می گردم آقای وزیر مالیه هم تشریف می آورند و زحمات زیادی کشیدند بالاخره برای آب و زمین خالصه برای هر کدام در این ادوار فترت از بین رفته اند و املاک بدست طبقه دوم بسیگرنده اگر این طور باشد هر ضمیم مالکین طبقه اول که در این ادوار فترت از بین رفته اند و املاک بدست طبقه دوم افتاده است باید سی کیمی لائق این طبقه بواسطه این تجمیلات از بین نروند خوب است آقایان درست دقت فرمایند حالاً که از حیوانات مالیات می گیرند بگران کاه نگیرند و همانطور که بنحو کلی اشاره فرموده اند نیز حسنه توضیح هم اشیائیکه باید معاف باشند

آیاری میکند ششم می زند، عملگی می کند خود و عائله اش در مقابل آذیت سوتیه و چندان چیزی هم عاید شان نمی شود. شب هم که می خوابند آسودگی ندارند، چنانچه آقای اقبال السلطان هم در جلسه قبل بیان کردند ما باید رعایا را تشویق و ترغیب کنیم؛ اینکه یک مشت رعیت که چهار رأس کاو وینچ شش رأس گوسفند و چند رأس عامل کاری برای وسائل ارتزاق سایانه خود دارد و در این قبیل مراتع چرا میکنند از آنها چیزی بگیرید

اگر بنظر انصاف باطراف مملکت نگاه کنیم خواهیم دید که در ظرف سال این رهایی بدخت با این همه زحمت و مراحتی که میکشند یش از وضع مونه هیچ چیز عاید آنها نمی شود حتی باندازه مدرس - بنده عرض کردم فلسفه اش را باید تطبیق کنیم

**سلطان العلماء** - بلی بنده هم تأثیر میکنم فرمایش آقایان عرض میکنم مقدمات عرض میکنم و است است آقای مدرس هم بعرض مجلس رساندند که شاید مصلحت مملکت باینکه قوانین مملکتی را با قوانین شرع مطابعه کنیم و فانکند. همچنان مدرس - بنده عرض کردم فلسفه اش را باید تطبیق کنیم

تحمیل کنیم این بدخت ها که در آن منازل کشیف و دهات دور دست که از هر چیز محروم هستند زندگی میکنندما نباید در باره آنها فرع زائد بر اصل قائل باشیم زیرا اگر عایدی داشت مالک آنچه می برد در صورتی که مالک چیزی نمی برد خوب است دولت هم صرف نظر نماید.

این یک قسمت عرض بنده قسمت دیگر هر رضم راجع باین است که اینجا چندین باره کرار شد که چرا باید بعضی کار گرها و بازوها مالیات بدهند و هفغان مالیات ندهند

بنده در قیاس و مقیس در هردو حرف دارم این مالیات هایی که امروز وضعی شود مالیات هایی نیست که حقیقتاً از امروز تا زمان بخواهند بر رعایا تعییل کنند از سابق همین مالیات ها رامی گرفته اند.

حالاً از روی عدل هست یا نیست همچنان از کاری تدارم عجالت از طرف دهاین عرض میکنم از این بازوها که امروز دولت در شهرها مالیات می گیرد اگر من می خواستم وضع قانون کنم بازو های ظریف تراز با زوی دهقانان سراغ داشتم که اگر آنها یعنی زیادی کاه دارد و بقدری که لازم دارد کاه برای خودش نگاهداری میکند و از بقیه صرف نظر می نماید چون کاه در دهات قیمت ندارد آنوقت ممکن است آقای اقبال السلطان هم شرح دارند این هر ایض راجع بدهقان بود حالمیرویم در موضوع مالک باید دید آبا آقایان تمام و اند را از شتوی و صیفی حتی کاه وغیره در نظر گرفته اند یا خیر؟ مثلاً یک دهی در هشت فرسخی شهر واقع است و سالی که زراعت آنچا خوب بشود مالک مقدار زیادی کاه دارد و بقدری که لازم دارد کاه برای خودش نگاهداری میکند و از بقیه کفتم بطرین اولی اینها باید مالیات بدهند

و لی چون این مسئله از قدیم مرسوم بوده است عرضی ندارم و همین قدر هر ضمیم این اشخاص کاسب که باید مالیات بدهند غروب آفتاب که دکان خود را بستند هر گونه وسائل راحتی برای آنها فراهم است بهرجه میل کنند اگر بیول داشته باشد برایش فراهم است از آن طرف از وجود آزان مستعفی هست آبیاش مخاک برداری و حمام اینها که دولت بواسطه راحت و حفظ الصحیح آنها در همه جا مخصوصاً در زیای تهت معین کرده است استفاده می کند و لی بدخت دهقان از صبح تا غروب آفتاب بیل می زند

روزنامه‌رسانی کشور شاهنشاهی

یک عایدی داشته باشند ممکن است آنوقت از آنها هم مالیات گرفت لیکن امروز با این حال فلک زده که رعایا دارند کمیسیون صلاح ندانست برآنها هم چیزی تجمیل نماید این بود که کمیسیون مالیات را فقط بر عایدی مالک وضع کرد یکی دیگر از اعتراضات حضرت والا راجع بشرط بود آنروز هم عرض کردم حالا هم عرض می کنم که شتر بار کشداری مخارجی است له اگر مالیات هم برآن تجمیل شود دوراز انصاف است نه خواهم عرض کنم که در حین عبور از این شهر بشهر دیگر از شتر باری چه یوله‌هایی گرفته می شود اگر انشاء الله آنها متوقف شد و عایدات جمال عاید خودش گردید البته بر آن ها هم مالیات تجمیل خواهد شد یک مذاکرات دیگری رابع بر اتفاق شد مالیاتی که از حقوقی که عاید مالک مرتفع می شود مثلا اگر مالک یک مرتعی در سال صد تومن اعایدی دارد از این تومن می گیرند پس این حقوق ده یک عایداتی است که بمالک مرتع میرسد و آن مالیاتی که بر میش و بز تجمیل می شود از عایداتی است که میش و بز بصاحبان خود میسانند والبته باید گوستند داران یک حقیقی بمالک مرتع بدنهند برای اینکه در آن جاهای می چرد و یک مالیاتی هم بدولت بدنهند برای اینکه دولت آن میش و بزرگ محافظت می حکمند و علت این که در کمیسیون حقوقی را برای میش و نز میین کردیم و فرقی بین میش و بز که در صورای می چرند و آنها هایی که با آنها علوقه می دهند نگذاشتیم برای این است که آن میش و بز هایی که بر اتفاق فرستاده می شود به صاحبان آن اتفاق حق العرتبی می دهند و آن میش و بز هایی که درده می مانند و با آنها علوقه می دهند مخارج آثارا و قتی ماستنجهندیم آنها که بیلاق و قشلاق می فرستند و کاه و بونجه صرف نمی کنند با آنها هایی که درده نگاهداری می کنند مغارج شان مساوی است از این جهت کمیسیون این مالیات را برای آنها بطور تساوی وضع کردو برای هر گوستنداشیانه یک قران مالیات فرادرداد و این هم یک مبلغ زیادی نیست برای اینکه هر میش یا بز در سال چهار پنج تومن برای صاحبین عایدی دارد ....

(نایندگان کران - حالات) دادالسلطنه - یک چیز دیگری که این اعتراض دارندو برای خود من هم اشکال است این است که در بعضی نقاط مقدمه هارا میرند در مراتع موقعیکه می هند بر گردانند آنها یک یوابی بنوان داری می گیرند متلاکو مقدمه کرمانشاه د باب گوران و وقتی بر می گردد صدی و مان یا صدی بیست و پنج تومان از آنها می گیرند بنوان حق المرتع نیست؟ ان گله داری و مالیات است حالا اگر هند بعد از این هم آن صدی بیست و پنج را بدنهند وهم این مالیات را این خبلی ب خسارت برای آنها می شود و خوب در این جات تصمیح شود که لااقل مالیاتها از این معاف باشد رئیس - آقای نصیر دیوان (اجازه) محمد هاشم میرزا - اجازه می فرمائید و رئیس - نوبت بجناب عالی رسیده حرفی ندارم؟ محمد هاشم میرزا - نوبت رسید گفت و قلم و بعد از یک موافق عرايضم را عرض کنند نصیر دیوان - یک از عرايضم بنده ری عدادالسلطنه طباطبائی فرمودند ولی قسمت دیگر عرض بنده راجع بایلات شایر است که دولت سابق یک مرتعیها و اگذار نموده است و آنها گوسفندان خودشان را در آنجا می چرانند و یک اتی هم بدولت می دهند و صدی سی تومان بنوان داری به آنها میدهند و اگر بنا باشد آن مالیات را بدنهند و این مالیات را در این قانون نوشته شده است این خبلی بباب خسارت آنها است و اگر آقای رئیس مالیه یا مخبر راه حلی برای این کار کنند بنده قانون مشوش؟ رئیس - چون مخبر حاشاش خوب است آقای اقبال السلطنه را برای خودشان قرار داده اند اقبال السلطنه - مخالفت هایی که جلسه گذشته و در این جلسه راجع به اول شد بشرحی است که هر ضم و لکنم شاهزاده محمد هاشم میرزاده جلسه افتراض داشتند که مالیات را بایلات عایدات کرft و چرا رهیت را معاف شدند اند؛ البته تصدیق می فرمائید که روز دعا یا آن قدر هایدی ندارند که رانیم از عایدات آنها مالیاتی بگیریم؛ عایدات را بر سرمهای وضع کردم و گفتی کس هایدی دارد یک چیزی بدولت بدنه رهایا فعلاً عایدات قابلی ندارندو البته گریکوقتی هم آنها تو انتستند از زراعتی می گشتند اما از این خروج خوا

رئیس - کسی موافق نیست؟  
رفعت الدوّله - چرا بنده موافقم  
**عماد السلطنه اصفهانی** - بنده  
هم موافقم  
رئیس - اسم شمارا آوردم فرمودید  
عرضی ندارم قلم زدم ۰  
**عماد السلطنه** - بنده همچو  
عرضی نکردم.  
رئیس - بفرمانید  
**عماد السلطنه** - اولا در جواب  
آقای کازرانی کفر مودنند در فارس کوه  
ها و املائکو است که نه اربابی است و  
نه خالصه انتقامی و نه خالصه ۰ بنده عرض  
می کنم همچو چیزی در ایران وجود ندارد  
و همان کوههای دیمی که هست آنها هم  
مالک دارد و تا کنون هیچ وقت بی مالک  
نぼد است و البته وقتی شروع بمیزی شود  
آنها هم میزی خواهند شد و اما فرمایشات  
شاهزاده محمد هاشم میرزا راجع بمیزی  
من تاریخ کفر مودنند اغلب نقاط بمیزی شده  
است این طور نیست بلکه اغلب نقاط بمیزی  
نشده است ۰  
بلی دو سه نقطه است که در آنجاها  
ممیزی سالیانه می شود از قبیل رشت و  
مازندران و غیره و الا هیچ نقطه در ایران  
نیست که کمتر از یونجه سال باشصت سال  
باشد که بمیزی شده باشد و خیلی از املاک  
است که در آن وقت آباد بوده و یک مالباتی  
برایش وضع نموده اند ولی حالا خراب  
است ولی بهلوی آن ملک یک ملکی است  
که در آن زمانها هایدی نداشته است و  
مطابق جمع سابق چیزی نمی داده است  
ولی حالا آباد شده است و مأمورین وزارت مالیه  
هم همچو دستوری نداشته اند که بتوانند  
ممیزی خصوصی بگشته و همچنین خیلی مزارع  
وقتاً جدید است که تازه احداث شده است و هیچ مالیات  
خانه است که تازه احداث شده است و هیچ مالیات  
رآنها او ضم نشده است و اینکه نگرانی داشتند باعث  
کسر بودجه می شود بنده عرض میکنم مالیات  
کسر نمی شود وبالفرض هم که کسر شد آیا  
باید بمیزی نکرد؟ یک کسی است که ملکش  
چهارصد تومان هایدی دارد و دو هزار تومان  
مالیات باید بدهد و یک کسی ده هزار تومان  
عایدی دارد و هیچ مالیات نمی دهد و اگر  
ایرادی دارید اسامی شان راهم ممکن است  
عرض کنم و اینکه راجع بشتر باد گش  
فرمودند مخارجی دارد که شتر کلانی ندارد  
واز قبیل نوافل بلدی مخارج حق المرتع  
مخارج روغن هایبکه درزمستان برای آنها  
بکار برده می شود اگر بر آنها هم مالیات  
وضع نماید صاحب شتر کسر هم می آورد شاید  
آقایان نمایند گان کرمان مسبون باشند  
در کرمان چون یونجه سال قبل ممیزی شده  
تاسه چهار سال قبل این طور معمول بود و  
کسی که امروز هیچ گوسفند نداشت آزاد  
مالیات می گرفتند کسی که ده هزار گوسفند  
داشت آزاد هیچ نمی گرفتند

بعد از اینکه رعیت بی پاشیده گیر نمی‌ود گفت ادارات ما بر زمین می‌مانند ایالات دهید ادارات ما از فروعات داشتن عایدی است و قوتویی عایدی داشته باشیم اداراتمان شکل می‌یابد در اینجا دو سه چیز است که خارج طافت مردم است و نمی‌بایست با این رجه بآنها تحمیل نمود. اول مسئله اغتمام و احشام است اگر سریع شود که راجع با اغتمام و احشام ایالات است در آن حرفی نیست و باید آن هم متوجه مخارج مملکتی بشوند و الاطور عموم خوب نیست زیرا ارباب رعیت رکدامده دوازده گوسفند بجهت تعیش و بیحتاج خودشان نگاه می‌دارند و مخارجی در مدت سال بآنها می‌دهند و نظری باید آنها ندارند بلکه برای این است اهل و بیال خودشان راحت باشند پس آنها می‌باشند و معمول است در بگاوهم ممکن است یک رعیتی در رأس کار برای اعماشه خود نگاه داشته باشد باید این نیست که مالیات اغتمام را باید مقید کرد با احتساب این قابل این نیست که مالیاتی بر آن تحمیل ود  
بلاآ او حقوقی هم بار باب می‌دهد رای اینکه بتواند سکنی کند دیگر لازم است دولت از او چیزی بگیرد باین جهت است که احشام اغتمام را باید مقید کرد با احتساب این ایالات بنابر این احشام قراء باید از این ایالات مستثنی باشند و عم چنین شتر گلابت اماده هم باید مستثنی باشد و بیشنهادی کم کرده ام که مالیات اغتمام و احشام را ایالات ختصان بدند.  
اما راجع باملاک و مراتع و جنگلهای دیابی اگر مقصود مواعی است که در است رعایا است ارباب البته یک حقوقی از رعایتی کم کرده از رعیت علی بعده چیز گرفته چه معنی دارد؟ و اگر مقصود مواعی است که مایحتاج رعیت نیست در آن عرض ندارم. اما قطعات زمینی که در است رعیت است آن مراتع هم داخلی دارند مخصوصاً ملک است و بالاستقلال خودش ایک مخصوصاً ندارد اورا علی بعده کردن از اول علی بعده مالیات گرفتن صحیح نیست ای اگر مواعی است کدر یک جای وسیع مسطعی واقع شده که ابدآ مایحتاج سکنی قراء نباشد و علی بعده با جاره می‌ورد در آن عرضی ندارم پس این قسمت را باید قید کرد مطلق مراتع نگفت و باید گفت این قسم از مراتع هم جزو ملک است علی بعده از ایالات گرفتن معنی ندارد بلاآ نظر باید که بر کلیه مخصوصاً املاک اربابی مالیات وضع شده است عشر زیاد است و اشخاصی که ارباب بوده اندی رعیت داشته اند ندانند هشتر زیادی است و خوب است نهشتر گرفته شود.

نوز بتبصره فر سیده ایم بیله در جواب ایشان  
رض می کنم البتہ مخارج هر ملکی بیشتر  
شد مالیات دولت کمتر می شود و هرچا  
خارج کمتر باشد منافع دولت باید بیشتر باشد  
این هم مطابق عدل و انصاف است اما  
جمع بظواحین آبدنگ صدی پنج گمان  
کنم زیاد باشد این بود جواب فرمایشان  
نای سلطان العلماء امام فرمایشات آقامیرزا  
ی راجع بخالصه انتقالی آنرا همانطور  
آقای وزیر فرمودند در دوره استبداد  
لت یک یولی از مردم می گرفته است و  
قسمت ملکی را بانها او گذار می گردند  
احبائ خالصه انتقالی هم دارای عوائد  
دی هستند پس ناچاریم که فولاد داخل در  
موضوع نشویم و آنرا استثناء کنم ولی  
صه غیر انتقالی مملکت دولت است و مانعی  
نیم آنرا غیر املاک دولتی حساب کنم  
کازرونی-من همچو حرفی نزدم؟  
محمد هاشم میرزا - همچه حرفی  
نه؟

آقا سید یعقوب- عجب آقای محمد  
میرزا و کیل آقا میرزا علی هم هستند  
به حال آنها مملکت دولت است و دولت  
با آنها هم آرتیبی خواهد داد  
رئیس - آقای میرزا عبدالوهاب  
(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - این که آقای  
سید یعقوب فرمودند قید ساتمه و معلوم  
ط باین جانیست این صحیح است اما  
مخارج مالک را که در مملکت  
ظهه کردن اینجا هم ملاحظه نمایند که  
آن ملوفه خرج دارد و باید یونجه تر  
اری بیست و پنج قران یا یونجه خشک  
اری ۱۰ تومان بخورد اما سائمه آن  
را ندارد

با این جهت است که بنده و سایرین  
بنین ساتمه و معلوم عقیده داریم  
اگر مابدون هیچ ملاحظاتی هم روز  
ی و ضم کنیم بعد از دو سال این رعیتی  
هست باید برود باد کوبه عملکی کند  
بنده این است که اگر قید ساتمه  
خوب نیست و اسباب بی چیز شدن  
است

رئیس - آقای نظام الدوام  
(اجازه)

نظام الدوام - بنده موافق ولی در  
آقای آقا سید یعقوب راجع بخالصه  
کند نظریاتی داشتم و می خواستم  
کنم

رئیس - آقای کروسی  
(اجازه)

حاج شیخ محمد حسن گروسی -  
و امور مملکتی بایستی از تروت  
اهمالی و مملکت اداره شود و باید چنگ  
فراد داد که آنها یکمرتبه از کار  
که بالمرة ادارات ما از کار بیفتدیزیرا

رئیس — معنی مخالفت همین است؟  
کازرانی — پس بنده هم جزء  
آن هستم؟

رئیس — آفای ارباب کیخسرو  
( اجازه )  
ارباب کیخسرو - مخالفم  
رئیس — آفای آقا سید  
؟

آقا سید یعقوب — بنده  
آقا سید یعقوب - بنده با این ماده  
هستم و یک بیشنها دی هم بنده و آفای  
تقدیم کرد مایم تمام فرمایشات مفصل  
طاطان العلماء که راجع بر این فرمودنند  
جواب دارد و آن این است که اگر  
عایدات داشته باشد از آن مالیات  
اگر عایدات نداشته باشد مالیات  
ید و صدق کردن موضوع عایدی  
است که از آن انتفاع حاصل نمایند  
ائمه نهاد عایدی ندارد اما اینکه  
دولت مالیات باز رهم می گیرد بنده  
کنم بعد از آنکه دولت ممیزی نمود  
عایدات با اسم و رسمی که باشدم و قول  
امروز بنده دیدم در روزنامه بعضی  
شته اندو گفته اند که کمیسیون مالیات  
با زی را استثناء گرده است در  
که اگر ماده هفده را ملاحظه به  
می بینند تمام این مالیاتها از قبیل  
و پاداری و خانواری هم موقوف  
 فقط در تحت یک عنوان مالیات  
و اما اینکه فرمودنند از اغنام و  
اید چیزی گرفته شود بنده عرض  
می خواهیم مملکت را اداره کنیم  
است حضرت حجتہ هم ظهور  
ت که ماملات با صلوات بگذرد رس  
وائده مملکتی گرفت و صرف  
خونی و نظمی وغیره نموده ما کنمی  
کن را با صلوات اداره کنیم باید  
ن قانون مالیات از مردم اخذ شود  
نظام بیدا کند اما این که فرمودند  
نگذاشتند بین ساتھ و معلومه و  
را فرمودند این مسئله ربطی به مالیات  
و تجارت است و در هبادت باید فصد  
اگر فصد نیت نشود عبادت باطل  
کدام آنها یک شرایطی دارد مقایسه  
با این قانون هیچ ربطی ندارد بنده  
ن است که بهترین قانون مالیات  
ت بر سر مایه است که هیارت از  
م و احشام باشد ما می گوییم  
باشد برداشته شود برای این که  
د اماز سرمایه دار باید مالیات  
؟

اینکه فائد دارد راجع بتبصره  
کمالی فرمودند در صورتی که

نیمی رسانم .  
لئیس — در این ماده سه جلسه  
شده است حالا آقایان مذاکرات  
این ماده کافی می دانند یا  
لئیس — آقای معتمدالتجار  
بندۀ مخالفم و عرایض  
کردم .  
لئیس — آقای حاج میرزا .  
( اجازه )  
جعفر زاعبدالوهاب - عرضی  
س — آقای شیخ الاسلام  
( اجازه )  
امام السلطان — عرضی  
س — آقای شیخ الاسلام .  
( اجازه )  
الاسلام — بنده مخالف  
رض خود را هر ض کردم  
ش — آقای محمد هاشم  
هاشم میرزا — بنده عرایض  
کردم ام چون هیچ کس جواب  
است حالا اگر مجددا عرض  
خواهد شد خوب است جواب  
تا اگر لازم شد باز عرض کنم  
کرد .  
س — آقای ڪاذرانی  
رزاعلی ڪاذرانی - خبر  
- بفرمانی  
- رزاعلی ڪاذرانی -  
آن قانون استنیاط می شود این  
بنجا اراضی را به فرموده  
ک اربابی یکی هم خالصه و  
انتقالی لیکن یک املاکی هم  
ک هیچ یک از این صفات نیست  
اشخاص است نه خالصه و نتی  
لی واکثر نقاط فارس همین  
های سیز و خرم و چنگل های  
ست که مالک معینی ندارد  
ن دولت است ولی آن املاک  
ک نیست و بعضی اشخاص هستند  
چرا فر  
مسئله ز  
ن دارد و  
نیت شو  
می شود و  
کردن آ  
عقیده ا  
وضع م  
بول و  
سرشمار  
عایدی  
کرفت  
بر  
هم یک

بعواطفی هکه دارند یک اندازه همراهی  
بفرمایند و یک راهی اتخاذ فرمایند که بقول  
عوا نحسین سوزد و نه کتاب امداد و موضع  
املاک که مرقوم فرموده اند آنها نی که  
از آب قنات مشروب می شوند دو عشر  
آنها نی که از آب قنات و روذخانه مشروب  
می شوند یک عشر از عایدات مالک برای  
مخارج کسر می شود و از بقیه عایدات آن  
مایلات مقرره دریافت می شود خبلی تشكیر  
می کنم از اعضاء کمسیون قوانین مالیه  
که خبلی دقت کرده و بازیک بینی شده و این  
نکات را ذکر فرموده اند ولی در عین حال  
عرض می کنم قنوات و میزان خرج املاک  
بیک روش نیست بعضی قنوات طول و  
مسافت شان زیادتر است و بعضی کمتر مثلا  
در بند قنات هست ده فرسخ مسافت دارد  
و در ولایات قنات هم هست که نیم فرسخ هم  
طول ندارد در بعضی املاک رعیت سکنی  
دارد و مخارجش با خودش است و مالک خرج  
سنگینی ندارد ولی در بعضی از نقاط  
بعکس مالک مخارج زیادی دارد و باید علاوه  
بر مخارج قنات وزراحت بتمام مخارج ساکنین  
آنجا راحتی نان وینی و انگور رعیت را  
هم بدهد پس تمام املاک رادر یک زمینه  
قرار دادن شاید از نقطه نظر قانونگذاری  
قدرتی دور باشد و بند عرض می کنم وقتی  
که دولت می خواهد از هر چیز ملک حقی  
از صیفی و شتوی وغیره استفاده کنند باید  
تمام مخارج را هم منظور دارد مخارج منحصر  
با خرج قنات تنها نیست مخارج دیگر هم دارد  
فرضتاً معنقد شویم که خرج قنات ده دهوند  
مالک است دولت باید در نظر بگیرد ما لکی  
که سرمایه خود و سرمایه هم خود اصراف  
این آبادی کرده است هوائد او بعداز  
مخارجی که نموده است از قبیل مزد عمله  
و بنای پول چوب و مخارج مباشر وغیره و سایر  
懋ارفی که آقایان خودشان بهترمی دانند  
جهنمدمی شود باین واسطه لازم است دولت  
این ترتیبات را عاید بنماید آمدیم بر سر  
تبصره در این جاهای آقایان فرمودند که از  
املاک دیگر از این باید مصارف کسر شود بند هر رض  
می کنم مگر مخارج ملک منحصر با آب تنها است؟  
خیره املاک آبی را اگر یائیز آب  
بپرد و خراب شد ممکن است ذاته آن را در  
بهار بپرد و آن خسارت جبران شود؟  
اما ملاک دیگر اگر بیک سال یا چهار سال  
زاد نیامد خسارت وارد می آید بهلاوه  
صارفی دارد باید با گاروچرخ مخصوص لات  
ورا گویند والا ملائکه واجنه نمی آیند  
هر من را بکوبند لابد رهیت میخواهد گاو  
بشواهد چرخ میخواهد و مالک باید خرج  
عیت و سایر مخارج را بدهد.  
پس از املاک دیگر مصارف را منهدا  
گردن دور از انصاف است این است نظریات  
ده که بعرض مجلس شورای ملی رساندم و  
که هم باز هر ضی داشته باشند در ضمن شور



وزیر پیکریم  
پسرخ ذبل فرائت شد

ماده واحد — وزارت مالیه مجاز

است کنترات دوازده فرم مستخدمین بلژیکی

اداره گمر کات مفهومی اسلامی ذبل را

برای مدت سه سال از تابع تصویب این

ماده در بازار مبالغ حقوق متروکه در مقابل

اسامي آنها تعجیل نماید

رئیس — رأی میکریم باده واحده

برای دوازده فرم مستخدمین بلژیکی آقای

تصویب میکنند ورقه سفید والا کبود

خواهند داد

ارباب کیفسیرو — اجازه میفرمائید

بنده یک توضیعی دارم؟

رئیس — بفرمائید

ارباب کیفسیرو — درینجا ک

مینویسد مجلس شورای اجراء میدهد در

مدت سه سال کنترات این اشخاص را تعجیل

کنند چون مدتی است از اتفاقهای کنترات

های سابق آنها گذشته بنا بر این لازم است

درینجا ذکر شود از چه تاریخ کنترات

می شوند

وزیر مالیه وغیر کمسیون از تاریخ

تصویب

رئیس — عبارت از تاریخ تصویب

اصفهان میشود

درین این موقع اخذ آراء بعمل آمد

آقایان امیرناصر و متصرف الملک تعداد آراء

نحوه ونتجه بقراردیا حاصل گردید

عده حضار (۲۷) ورقه فید علامت

قبول (۷۰) ورقه کبود (۳) امتناع (۹)

وئیس — رأی دهنده کان (۸۲) نفر

باکثریت هنردار رأی تصویب شد

وزیر پست وتلگراف — دو فقره

تفصیلی اعتبارات یکی راجع بامتداد سیم

کنابادتون و دیگری برای تعیین تکرار

خانه رشت کا زاطرف و زادتیست وتلگراف

قدیم مجلس شورای اسلامی میشود

رئیس — مراجعه میشود بکسیون

بودجه .

وزیر عالیه — دو فقره اعتبار یکی

تفصیلی اعتبار جزئی است برای بیشتر

هایی که مقاشران در عدله منحل شده است

مادامی که کاربر ایشان بیدا نشده ویک فقره

راجع بریس عدلیه ساوجبلاغ که گرفتار

غارت اکرداد شده و بکلی دارای اوراق

برده اند و دیگری راجع بیزار این خسنه

مستخدم عدلیه که مقاعد شده قدمی مجلس

می شود

وزیر فوائد عامله — بیشتر امیتیاز

ساختن راه مازدن راست از طرف راه

هر از قدمی مجلس میشود

رئیس — مراجعه میشود بکسیون

فاوید عامه راجع بقانون شهریه ها چون

وزیر مالیه یک مجملاتی در آن ملاحظه کرده

بودند و توضیعاتی از مجلس خواسته بودند

بیک عده مامورین این کار داده شود یک مدد معاف جزئی داده می شود که آنها این کارها انجام داده شده و بالاخره هم کارزود ترا

بلژیکی شد .

بنده برای حفظ نزاکت گفتم خلبان خوب کار می کنند آنوقت رئیس کساییه و وزارت مالیه میشود که خارج کمتری شود

تا این که ادارات مخصوصی جهت این کار تهیه شود

نصرت العوالم مخبر کمسیون بودجه .

چون آقای شیخ الاسلام خلبان اصرار از اند که تمام جواب سوالات ایشان داده شود

و بیک از این که در این مدت بیکند و تغییر هم میکند لازم است یک مطلبی را که آقای وزیر مالیه فراموش کرددند ورقه سفید والا کبود

خواهند داد

ارباب کیفسیرو — اجازه میفرمائید

بنده یک توضیعی دارم؟

رئیس — بفرمائید

ارباب کیفسیرو — درینجا ک

مینویسد مجلس شورای اجراء میدهد در

مدت سه سال کنترات این اشخاص را تعجیل

کنند چون مدتی است از اتفاقهای کنترات

های سابق آنها گذشته بنا بر این لازم است

درینجا ذکر شود از چه تاریخ کنترات

می شوند

وزیر مالیه وغیر کمسیون از تاریخ

تصویب

رئیس — عبارت از تاریخ تصویب

اصفهان میشود

درین این موقع اخذ آراء بعمل آمد

آقایان امیرناصر و متصرف الملک تعداد آراء

نحوه ونتجه بقراردیا حاصل گردید

عده حضار (۲۷) ورقه فید علامت

قبول (۷۰) ورقه کبود (۳) امتناع (۹)

وئیس — رأی دهنده کان (۸۲) نفر

باکثریت هنردار رأی تصویب شد

وزیر پست وتلگراف — دو فقره

تفصیلی اعتبارات یکی راجع بامتداد سیم

کنابادتون و دیگری برای تعیین تکرار

خانه رشت کا زاطرف و زادتیست وتلگراف

قدیم مجلس شورای اسلامی میشود

رئیس — مراجعه میشود بکسیون

بودجه .

وزیر عالیه — دو فقره اعتبار یکی

تفصیلی اعتبار جزئی است برای بیشتر

هایی که مقاشران در عدله منحل شده است

مادامی که کاربر ایشان بیدا نشده ویک فقره

راجع بریس عدلیه ساوجبلاغ که گرفتار

غارت اکرداد شده و بکلی دارای اوراق

برده اند و دیگری راجع بیزار این خسنه

مستخدم عدلیه که مقاعد شده قدمی مجلس

می شود

وزیر فوائد عامله — بیشتر امیتیاز

ساختن راه مازدن راست از طرف راه

هر از قدمی مجلس میشود

رئیس — مراجعه میشود بکسیون

فاوید عامه راجع بقانون شهریه ها چون

وزیر مالیه یک مجملاتی در آن ملاحظه کرده

بودند و توضیعاتی از مجلس خواسته بودند

خوب و کدام بد کار کرده اند خود بدهد دروز از این حقوقیکه درین لایحه می شود که باید از این طرف شهربان شهر بروز فقط به هزار فرانک باو اینها که وظیفه شناس و صاحب دیانت اداری باید این کار را در شکه خود را حفظ نداشت

بلژیکی شد .

بنده برای حفظ نزاکت گفتم خلبان خوب کار می کنند آنوقت رئیس کساییه و وزارت مالیه میشود که خارج کمتری شود

تا این که ادارات مخصوصی جهت این کار تهیه شود

نیزه با اینها میشود بکسیون بودجه .

چون آقای شیخ الاسلام خلبان اصرار از این حقوقیکه می باشند و میگردند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها میشوند و باید اینها را با این طبقه مطابق شوند

و با اینها م

